

بررسی وضعیت آثار ترجمه شده در حوزه دفاع مقدس در گفت‌وگو با صاحب‌نظران

# سرمایه‌گذاری فرهنگی با ترجمه آثار دفاع مقدس

مرجان قندی  
خبرنگار

هشت سال جنگ تحمیلی یکی از کلیدی‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران است. حالا با گذشت سه دهه از پایان جنگ لازم است وقایع این ۸ سال برای نسل جوان کشورمان و کشورهای دیگر تبیین شود تا این دوره از تاریخ کشورمان نه به فراموشی سپرده شده و نه دچار تحریف شود. در این میان کتاب‌های دفاع مقدس نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند. کتاب‌هایی که در لابلای صفحات آن‌ها تاریخ رشادت‌ها، حماسه و روح یک ملت نهفته است. ترجمه آثار دفاع مقدس به زبان‌های مختلف دنیا سرمایه‌گذاری فرهنگی است که مسئولان مربوطه باید نسبت به آن اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. اگر این کتاب‌ها در سطح جهانی معرفی نشوند، واقعیت‌های دفاع هشت ساله مردم ایران به درستی منعکس نخواهد شد یا احتمال تحریف در آن‌ها وجود خواهد داشت. بنابراین لازم است که مترجمان و ناشران در راه بین‌المللی شدن کتاب‌های این حوزه گام بردارند. برای بررسی وضعیت آثار ترجمه شده حوزه دفاع مقدس با چند نفر از مترجمین و مدیر انتشارات ۲۷ بحث به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن پیش رویتان است.

## اولویت با کیفیت است



کتابی که به زبان بیگانه به دست یک کتابخوان غیر ایرانی می‌رسد، طبیعتاً نمی‌تواند چیز سدرستی و درجه چندم باشد

محمدحسین باتمان‌گلج از پیشکسوتان مترجم است. کار ترجمه را به صورت رسمی از آذرماه ۱۳۵۱ در وزارت خارجه شروع کرده است. او به مدت ۳۶ سال به طور رسمی به عنوان مترجم زبان عربی در این وزارتخانه مشغول به کار بوده و از سال ۱۳۶۳ نیز پروانه مترجمی رسمی قوه قضائیه را دریافت کرده است. او می‌گوید: در طول خدمت در وزارت خارجه، علاوه بر ترجمه متون، قراردادهای، بیانیه‌ها و... کار ترجمه حضوری ملاقات‌های رسمی را در داخل و خارج انجام داده‌ام و به دلیل تراکم مسئولیت و کار اداری و رسمی، فرصت ترجمه کتب و آثار متفرقه را نداشتم. اما بعد از بازنشستگی، طبیعتاً فرصت بیشتری برای ترجمه و تألیف فراهم شد که ترجمه دو کتاب «اجتناب ناپذیری جنگ» و «تنبیه متجاوز» از جمله آن‌ها است. البته به صورت متفرقه ترجمه‌های بسیاری در رابطه با دفاع مقدس داشته‌ام که انتشار نیافته است. (از جمله متن حقوقی اعانامه‌ای تفصیلی علیه صدام که در ایام محاکمه صدام از سوی ایران تهیه شده بود).

باتمان گلج ادامه می‌دهد: دو کتاب «اجتناب ناپذیری جنگ» و «تنبیه متجاوز» تاکنون دوبار مورد تقدیر و برنده جایزه شده‌اند. این دو کتاب را من به زبان عربی ترجمه کرده‌ام. کتاب «اجتناب ناپذیری جنگ» شامل نقد و بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و علل و انگیزه‌های صدام است که عنوان ترجمه عربی آن «حرب لامقر منها» است. کتاب «تنبیه متجاوز» که عنوان ترجمه عربی آن «معاذی‌الله» است به تشریح روند نبردها و عملیات‌های نظامی برای مقابله با تجاوز بعثی‌ها و بیرون راندن آنها و تحلیل فراز و نشیب‌های جنگ می‌پردازد. ترجمه و نشر این گونه کتاب‌ها از سوی مرکز اسناد دفاع مقدس با هدف شرح و تبیین مآو‌ع جنگ تحمیلی و مواضع جمهوری اسلامی ایران توسط خود ما برای غیرایرانی‌ها بوده است، تا این رخدادها فقط از زبان و قلم و نگاه دیگران - و البته با اهداف و اغراض گوناگون - برای مردمان جهان ترسیم نشود.

این مترجم پیشکسوت خاطر نشان می‌کند: تلاش من این بوده که این دو کتاب اولاً با زبانی روان و روشن ترجمه شود. بُعد فنی متن نیز که در این گونه متون بسیار پراهمیت است. باید با حساسیتی بالا لحاظ می‌شد. (متن شامل بحث‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و... بود). باتمان گلج براساس تجربه‌ای که در این سال‌ها در زمینه ترجمه آثار داشته، درخصوص سطح آثار ترجمه شده حوزه دفاع مقدس و مقاومت می‌گوید: منحصراً در زمینه انقلاب و دفاع مقدس، کارهای بسیاری انجام شده که همه در یک سطح کیفی نیستند. اما کیفیت کار در این حوزه بسیار مهم و مورد تأکید است. کتابی که به زبان بیگانه به دست یک کتابخوان غیر ایرانی می‌رسد، طبیعتاً نمی‌تواند چیز سدرستی و درجه چندم، یا بدتر از آن، نگارشی ضعیف و حتی حاوی غلط‌های چشمگیر باشد. ترجمه خوب و فاخر، عامل مؤثری برای جذب خواننده است. اگر هدف از این همه تلاش، صرف وقت، نیرو و هزینه، رساندن پیامی به مخاطبان خارجی است، لازم است این پیام در جامه‌ای زیبا و پرازنده عرضه شود. تشخیص درست سلیقه و فرهنگ و شرایط و حساسیت‌های مخاطب در کشورها و جوامع مختلف نیز در این راستا ضروری است.

## روایت‌های جذاب جنگ برای غیر ایرانی‌ها



باعث افتخار است که ترجمه آثاری که مربوط به شهداست تصبیم شود. من با خاطرات هریک از شهدا زندگی کرده‌ام و پند گرفتم

راناسیزپوش عرب زبان است و حدود ۸ سال می‌شود که در حوزه ترجمه کتاب‌های حوزه دفاع مقدس فعالیت دارد. او کارش را با ترجمه کتاب «خط فک» تألیف سیدمحمد شکر شی شروع کرده است. سبزیپوش که در این سال‌ها آثار متعددی از حوزه دفاع مقدس را ترجمه کرده است، می‌گوید: بعد از کتاب «خط فک»، ترجمه «بیست و هفتی‌ها» که بیوگرافی فرماندهان محمد رسول الله (ص) بود، انجام دادم. بعد از آن هم ترجمه کتاب‌های دکتر شکر شی همچنان با من بود. بعد از آن ترجمه داستان و خاطرات کوتاه را شروع کردم. خاطراتی از شهدای دفاع مقدس که در کتب کوتاهی اما بسیار تأثیرگذار و جذاب بودند. سبزیپوش ادامه می‌دهد: ما جوان‌ها می‌توانیم از سطر به سطر ادبیات دفاع مقدس درس بگیریم؛ درس شجاعت، ایثار و استقامت جوان‌هایی که در ۸ سال جنگ تحمیلی از میهن، ناموس و خاک مان دفاع کردند. به نظر من بسیاری از جوانان امروز نیاز به آموختن و شنیدن این فداکاری‌ها و جانفشانی‌ها دارند تا بیاموزند که تا زمانی که تک تک آنها شجاعانه نایستند و از کشور و خاک‌شان دفاع نکنند هیچ بیگانه‌ای دلسوز آنها نخواهد بود و هر اجنبی فقط به دنبال منافع خود در کشورشان است نه چیز دیگر. این مترجم آثار حوزه دفاع مقدس با بیان اینکه تصمیم دارد در این حوزه حضور فعال و مستمر داشته باشد، یادآور می‌شود: باعث افتخارم است که ترجمه آثاری که مربوط به شهداست تصبیم شود. من با خاطرات هر یک از شهدا که ترجمه آن‌ها را انجام داده‌ام روزها زندگی کرده‌ام و پند گرفتم.

## نیاز به حمایت متمرکز از جنبش ترجمه



در حال حاضر یک مرکز معین و مادر تخصصی در باب ترجمه آثار دفاع مقدس و ادبیات مقاومت وجود ندارد

مسعود اسعدی دیگر مترجم جوانی است که تاکنون حدود ۲۰ اثر ترجمه از فارسی به عربی انجام داده و به چاپ رسیده است که از جمله آن‌ها به کتاب‌های «نونی صفر»، «مهتاب ختن»، «در هاله‌ای از غبار»، «پیغام ماهی‌ها»، «خداحافظ سالار»، «آن ۲۳ نفر»... اشاره می‌کند و درخصوص فعالیتش در حوزه ترجمه آثار حوزه دفاع مقدس می‌گوید: ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که وجود صلح و آرامش و امنیت را در آن مدیون شهدا هستیم و هر کس در هر زمینه‌ای که کاری از دستش برمی‌آید باید به نوعی دین خود را به شهدا ادا کند. پس از توصیه رهبری معظم انقلاب مبنی بر احیای نهضت ترجمه، من با توجه به دانش و اندوخته‌ای که داشتم، در این حوزه احساس وظیفه کردم و همواره ترجمه کتب دفاع مقدس را در دستور کار دارم.

اسعدی به آخرین ترجمه‌اش کتاب «عروس یمین» زندگینامه داستانی فاطمه مومنی اشاره می‌کند و می‌افزاید: ترجمه این کتاب رو به اتمام است. امروز محور مقاومت دیگر محور، در سوریه و عراق و لبنان و فلسطین نیست. در حال حاضر کشور یمین و انصارالله پیشگام محور مقاومت است و نباید این سرزمین وسیع و عظیم را نادیده گرفت. به لطف خداوند من جزو اولین مترجمینی هستم که مقاومت مردم یمین را در این کتاب به زبان عربی به تصویر کشیده‌ام تا گوشه‌ای از مظلومیت و کارهای جهادی این ملت را در خلال سطور، به گوش جهانیان برسانم. هم اکنون محور مقاومت قدرتمندتر، زنده تر و پویاتر از همیشه در حال پیشروی است و دیگر به عراق و سوریه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیشانی ما در بحث مقاومت و مقاومت جانانه با دست خالی، کشور یمین است.

او درخصوص لزوم ترجمه آثار محبوبیت آثار ترجمه شده حوزه دفاع مقدس در کشورهای دیگر توضیح می‌دهد: ما اگر راوی دفاع مقدس و ادبیات مقاومت کشورها را مختلف به خصوص کشور خودمان نباشیم، این گفتمان تحت تأثیر تحمیل احتمالی دشمن قرار خواهد گرفت. کتاب‌های ترجمه من غالباً در کشورهای عربی توزیع شده و با محبوبیت زیادی مواجه شده است. بعضاً آثاری به چاپ‌های متعدد هم رسیده که نشان دهنده علاقه جهانیان به فرهنگ مقاومت و استنادی در برابر ظلم و استبداد است. اسعدی از کار ترجمه کتاب دفاع مقدس اینطور می‌گوید: در حال حاضر یک مرکز معین و مادر تخصصی در باب ترجمه آثار دفاع مقدس و ادبیات مقاومت در کشور وجود ندارد. در حقیقت آنچه به عنوان مرکز تربیت زبان آموز عربی و مترجم مطرح است، مراکزی هستند که به شکل جزیره‌ای عمل می‌کنند. گاهی شاهد آن هستیم که یک کتاب واحد در دو یا چند مرکز به چاپ رسیده که این اصلاً مطلوب نیست. اگر جمع بندی بخواهم بکنم، متصدی کار ترجمه یک مکان یا گروه متمرکز نیست و این نقص بزرگی محسوب می‌شود. مشکل بعدی در این حوزه عدم حمایت از مترجمین و شی توجهی به وضعیت معیشت آنهاست. همچنین در سال‌های اخیر ما شاهد ورود برخی افراد غیرمتخصص یا دارای تخصص ناکافی در این امر بودیم. مثلاً دانشجویانی که هیچ گونه تخصص و تجربه‌ای در این زمینه ندارند و مناسفانه نظارتی هم بر روند ترجمه نیست و این آشفتگی، سبب وجود اشکالات و ایرادات زیادی در برخی ترجمه‌ها شده است که ضعف بزرگی به حساب می‌آید.

## تولید فرهنگی در شرایط دشوار



بدلیل هزینه‌های بالا فرصت فعالیت جنبی برای ناشران نیست اگر ترجمه اهمیت نداشت، ما هم دنبال این کار نمی‌رفتیم

مازیار حاتم‌ی مدیر انتشارات ۲۷ بعثت با اشاره به اینکه همیشه ترجمه آثار در لیست اقدامات انتشارات است، می‌گوید: تاکنون از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون کتاب‌هایی از جمله «عزیزتر از جان»، کتابی که روایتگر خاطرات شهید ابوالفضل راه جمنی از زبان همسرش و به قلم کبری خدابخش دققی است، توسط مترجم عراقی ترجمه شده و در نوبت چاپ است. کتاب‌های «تمنای بی‌خزان» که روایت‌های زهرا سلیمانی زاده از شهید مدافع حرم مهدی حسینی و به قلم شیرین زارع پور است و «رؤیای امریکایی» که بازخوانی پرونده جنگ نیابتی ایالات متحده علیه ایران به قلم گل‌علی بابایی است توسط ناشر لبنانی در حال ترجمه هستند. همچنین کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» که شامل خاطرات سردار جانباز میرزا محمد سلگی فرمانده گردان ۱۵۲ حضرت ابوالفضل (ع) لشکر ۳۲ انصارالحسین به قلم حمید حسام است توسط یک ناشر در کشور آذربایجان در حال ترجمه است. حاتم‌ی از تعداد آثار ترجمه شده کتاب‌های دفاع مقدس در انتشارات ۲۷ بعثت احساس رضایت ندارد و معتقد است در این خصوص به انتشارات شان نمره قابل قبولی نمی‌دهد. او در ادامه توضیح می‌دهد: به دلیل هزینه‌های بالای کاغذ و چاپ فرصت و امکان هیچ فعالیت جنبی برای ناشران وجود ندارد. اگر موضوع ترجمه اهمیت نداشت، حتماً ما هم دنبال این کار نمی‌رفتیم چون ما هم مثل بقیه ناشران تحت فشار تورم هستیم.

وی با اشاره به اینکه تولید آثار در هر انتشارات براساس نیاز مخاطبانش انجام می‌شود، می‌گوید: این کار در حوزه ترجمه نیز حتماً با شناخت مخاطبان در کشورهای هدف صورت می‌گیرد و با توجه به علاقه مخاطب همان کشور آثار ترجمه می‌شوند. حاتم‌ی درخصوص انتخاب مترجم برای آثار مورد نظر نیز ادامه می‌دهد: ما اعتقاد داریم که هر کتاب باید در کشور هدف توسط مترجم محلی ترجمه شود و بهترین روش برای این کار سپردن به ناشران کشورها است. چون آنجا به خاطر فروش کتاب، مترجم ضعیف انتخاب نمی‌کنند. بنابراین ما ابتدا آثار را برای ناشر ارسال می‌کنیم، اگر مورد تأیید قرار گرفت قرارداد می‌بندیم. آنها هم چون با مخاطب خودشان در ارتباط هستند، با توجه به ذائقه آنان از بین کتاب‌های پیشنهادی ما هر کدام را مناسب ببینند انتخاب می‌کنند و بقیه کارها را باهم جلو می‌بریم. البته حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی هم بسیار تأثیرگذار است. ما اغلب ارتباط‌هایمان را با حضور در این نمایشگاه‌ها برقرار کرده‌ایم. ارتباط با آژانس‌های ادبی در نمایشگاه هم به همین اندازه مؤثر است، البته اگر منصفانه با ناشران ارتباط داشته باشیم. چون آژانس‌ها میلی برای همکاری با همه ناشران ندارند و معمولاً با تعدادی خاص همکاری دارند. من خودم در نمایشگاه بغداد چندین بار به یکی از آژانس‌های حاضر ایرانی در نمایشگاه مراجعه کردم، اما متأسفانه هیچ همکاری در این زمینه از آنها ندیدم.

هستیم.

- همچنان در ارتباط‌گیری با ناشران معتبر خارجی، انعقاد قرارداد با آنها، مباحث مربوط به حقوق مؤلفان، همکاری دو جانبه در انتشار و توزیع، دچار فقدان یک راهبرد هماهنگ و ساختارمند هستیم.  
- همچنان با خلأ پژوهشی دقیق و معتبر درخصوص شیوه ترجمه آثار قبلی، راهبردهای کلان و خرد مترجمان در ترجمه، میزان تیراژ و فروش تک‌نسخه‌ای آثار، نظرات و دیدگاه‌های مخاطبان و خوانندگان مواجه هستیم.  
- امید که اتفاق خوب ترجمه آثار ارزنده دفاع مقدس با همراهی و همکاری همه نهادهای متولی با درایت بیشتری ادامه یابد.

ادبیاتی بدون مرز و متعلق به همه انسان‌ها و همه نسل‌ها بدل ساخته، طوری که بخش مهمی از گنجینه غنی ادبیات کلاسیک و معاصر بیشتر کشورهای دنیا به جنگ اختصاص پیدا کرده است. برخورداری ادبیات جنگ از این نگاه انسانی باعث شده است این آثار به زبان‌های مختلف ترجمه شوند و ضمن واداشتن مخاطبان به تأمل، جان‌تشنه دوستداران صلح و آرامش را سیراب کنند. خوشبختانه، چندی است آثار ادبیات دفاع مقدس در کشورمان در ژانرهای مختلف به زبان‌های گوناگون ترجمه می‌شود. اهتمام نهادها و سازمان‌های متولی و البته چند آژانس و ناشر خصوصی به ترجمه این آثار، اختصاص گروه ترجمه در جویای ادبی دولتی، حضور ناشران دولتی

وقتی جنگی درمی‌گیرد، خواه ناخواه تغییراتی در ساختارهای اجتماعی طرف‌های درگیر ایجاد می‌شود. گرچه انسان‌ها، چه پشت خاکریزهای میدان نبرد چه کیلومترها دورتر از جبهه‌های جنگ، رنج می‌بینند و با آسیب‌های زیادی مواجه می‌شوند، اما میراثی دوگانه از شجاعت‌ها، بزدلی‌ها، دوستی‌ها، دشمنی‌ها، دیگرخواهی‌ها، خودخواهی‌ها، و... برجای می‌ماند و همین‌ها بستری برای خلق و آفرینش آثار ادبی می‌شود. این ویژگی‌های مشترک انسانی، ادبیات جنگ را به



مسعود اسعدی

## ادبیات جنگ، ادبیاتی بدون مرز

یادی از سرلشکر شهید حسن باقری در سالگرد شهادتش  
سرداری که نابغه جنگ بود

## نجمه السادات بلوری

تبدیل

بسیارند کسانی که چشم‌گشودنشان همزمان با میلاد مبارک سالار شهیدان است اما شاید کم باشند آنهایی که میلادشان روز میلاد حسین (ع)، راهشان راه حسین (ع) و مرگ شان نیز مانند مرگ حسین (ع) سرخ باشد. غلامحسین افشردی که در تاریخ جنگ تحمیلی همه او را به نام سرلشکر شهید حسن باقری به یاد می‌آورند، چنین بود.

تربیت پدر و مادر و استعداد معنوی غلامحسین در جوانی از او انسانی وارسته ساخت. در جوانی روی از دانشگاه برتافت به عشق انجام کاری بزرگتر و به خدمت سربازی رفت. در همین دوران و با اوج‌گیری مبارزات مردمی علیه رژیم شاهنشاهی، با فرمان امام خمینی (ره) از سربازی فرار کرد و به صف مبارزان علیه رژیم پیوست و نام خود را در خیل هزاران انقلابی دیگر به ثبت رساند.

بعد از انقلاب غلامحسین توانایی‌های خود را در عرصه‌های مختلف به آزمون گذاشت؛ کمیته، جهاد سازندگی، خبرنگاری در خبرگزاری جمهوری اسلامی و تحصیل در دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی و نیز پیوستن به جمع سبزجامگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از این پس او را به نام مستعار حسن باقری شناختند.

وقتی شهبور جنگ به صدا درآمد، سردار باقری تمام دانسته‌ها و تجربه‌هایش را به روی نقشه‌ها ریخت. در پس آن جبه ریز و نجیب حسن باقری، طوفانی خوابیده بود که خواب را بر کشتی دشمن حرام می‌کرد. در دی ماه ۱۳۵۹ فرماندهان ارشد جنگ سپاه حسن باقری را که تیزهوشی و ذکاوتش بسیار زود به اثبات رسیده

بود به درجه فرماندهی ارشد و برجسته سپاه ارتقا دادند. اولین اقدام رسمی او در این پست پایه‌گذاری واحد اطلاعات عملیات رزمی جنوب بود.

همه بر این موضوع واقف هستند که پشت مدرن‌ترین دستگاه‌های روزگار تمدن سرعت، مغزهایی مشغول به کار هستند که اگر حذف شوند هیچ بازویی در هیچ تکنیکی به کار نخواهد آمد. سردار حسن باقری یکی از مغزهای متفکر و هوشمند بازوان جنگ بود. یاران همراشش بیش از هر چیز به اصرار او درباره نوشتن و جمع‌آوری اطلاعات مکتوب اشاره می‌کنند و این سخن که ملکه ذهن شان شده بود: «باید برای آینده فکر کنیم و فرمان هم باید آسانی باشد».

هنوز شیرینی نبرد «فتح‌المبین» در کام‌ها بود که سردار باقری سفره بیت‌المقدس را گشود. او در تصرف سلمچه و خرمشهر فعال‌ترین و سخت‌ترین وظایف را عهده‌دار بود.

۶۱ بود. رهروان حرف پیرشان را که می‌گفت: «خرمشهر باید آزاد شود» زمین نمی‌گذاشتند. خرداد که شد تازه بوی بهار به مشام خوزستان داغدار خورد. بهتر از همه لاله‌های این شهر خونین می‌دانند که پیام آور بزرگ بهار در آن سال کسی جز سردار شهید حسن باقری نبود. اما جنگ هنوز ادامه داشت و مرد درو می‌کرد و خون می‌ریخت و برای کسی چون باقری دمی خواب و استراحت بارها بدتر از مرگ بود، پس به جبهه بازگشت و کار شناسایی را از سر گرفت. حتی شوق دیدار امامش نیز او را از جبهه بیرون نبرد. بارانش را راهی دیدار با امام کرد تا خود به دیدار حضرت حق بنشاند.

۸ بهمن ۱۳۶۱ بود که سردار باقری به همراه ۵ نفر دیگر از همزمانش از جمله کر بلا بود به منطقه عملیاتی والفجر در فکه رفتند. سنگر دیده‌بانی آنها مورد اصابت گلوله خمپاره قرار گرفت و حسن باقری با ذکر «یا حسین» به استقبال شهادت رفت. یادش همیشه گرمی و نامش بر قلب گرم خوزستان ماندگار خواهد ماند.